



A Discourse Analysis of Supplication 27 of Al-Sahifa al-Sajjadiyya Based on Norman Fairclough's Theory

Seyed Mohammad Razi Mostafaviniya¹, Mobina Mahoodi²

¹Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding author) roshan.mahoodi@yahoo.com

²Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Qom, Qom, Iran mahoodi.mobina@yahoo.com

Abstract

Discourse refers to a set of statements, linguistic forms, methods, and meanings that are employed within a specific social, cultural, or political context. Norman Furlough's theory of discourse analysis views language as a tool for constructing and reproducing power and ideology. His aim is to redefine these relations, considering language and discourse as the foundation of all social changes across various domains. Furlough presents Critical Discourse Analysis through three layers: description, interpretation, and explanation. According to him, all processes of social interaction and the text as part of this interaction are essentially forms of discourse. Al-Sahifa al-Sajjadiyya, as one of the most prominent religious and literary sources in Islamic-Shi'i culture, contains a collection of supplications that hold profound spiritual as well as literary value. Beyond its devotional role, the text conveys political, social, and cultural messages articulated through the language of supplication. The main goal of this study is to examine the discourse of power, identity, and resistance in the twenty-seventh supplication of Al-Sahifa al-Sajjadiyya using Furlough's framework. Employing a descriptive-analytical method and a qualitative approach, this article seeks to demonstrate how the language of supplication not only reflects individual and collective needs and aspirations, but also functions as an effective tool for reproducing socio-political discourse and confronting domination. The findings indicate that Supplication 27 not only mirrors the social concerns of Imam al-Sajjad (a) and the oppressed community of his time, but through its complex linguistic structure, mobilizing rhetorical style, and strong semantic coherence constructs a productive and action-oriented discourse that remains inspiring to contemporary audiences

Keywords: Norman Fairclough, Analysis of Supplication, Ideology, Power, Identity.

Doi: 10.71914/lrit.2025.9081226319

Received: 2025/05/07; Accepted: 2025/06/26; Published online: 2025/07/01

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Islamic Azad University of Qom



<https://sanad.iau.ir/journal/LRIT>

تحلیل گفتمان دعای 27 صحیفه سجادیه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف

سید محمد رضی مصطفوی نیا^۱، مبینا ماهودی^۲

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی،
دانشگاه قم، قم، ایران
roshan.mahoodi@yahoo.com

^۲ دانشجوی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی،
دانشگاه قم، قم، ایران
mahoodi.mobina@yahoo.com

چکیده

گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌ها، شیوه‌های زبانی و معنایی است که در بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل می‌گیرد و بازتاب‌دهنده روابط قدرت و ایدئولوژی است. نظریه نورمن فرکلاف زبان را ابزار اصلی ساخت، بازتولید و دگرگونی مناسبات قدرت می‌داند و تحلیل گفتمان انتقادی را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین سامان می‌دهد. از نگاه او، هر متن و کنش زبانی بخشی از فرایند تعامل اجتماعی و در نتیجه نوعی گفتمان است. صحیفه سجادیه، یکی از مهم‌ترین متون دعا در سنت اسلامی - شیعی، علاوه بر جایگاه عبادی، واجد لایه‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در قالب زبان نیایش بیان شده‌اند. دعای بیست و هفتم این کتاب نیز از متونی است که بازتاب‌دهنده نگرانی‌ها و موقعیت جامعه تحت ستم دوران امام سجاد(ع) است. هدف این پژوهش بررسی گفتمان قدرت، هویت و مقاومت در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه بر اساس نظریه فرکلاف است. این مطالعه با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش کیفی انجام شده و می‌کوشد نشان دهد زبان دعا چگونه فراتر از بیان نیازهای فردی و جمعی، در نقش ابزاری برای بازتولید گفتمان اجتماعی - سیاسی و مقابله با ساختارهای سلطه عمل می‌کند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ساختار زبانی پیچیده، سبک خطابی تأثیرگذار و انسجام

Doi: 10.71914/Irit.2025.9081226319

تاریخ دریافت: 1404/02/17؛ تاریخ پذیرش: 1404/04/05؛ تاریخ انتشار آنلاین: 1404/04/10

© نویسندگان. نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



<https://sanad.iau.ir/journal/LRIT>

معنایی موجود در متن، گفتمانی فعال و برانگیزاننده می‌آفریند که قابلیت الهام‌بخشی برای مخاطبان معاصر را نیز حفظ کرده است. بر این اساس، دعای بیست و هفتم نه تنها میراثی عبادی، بلکه متنی گفتمانی و کنش‌محور است که به فهم چرخه‌های قدرت و مقاومت در تاریخ اسلامی کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نورمن فرکلاف؛ تحلیل گفتمان؛ ایدئولوژی؛ قدرت، هویت.

1. مقدمه

«گفتمان» به مجموعه‌ای از عبارات، زبان، روش‌ها و معانی اطلاق می‌شود که در یک زمینه خاص اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی به کار روند و از فعل یونانی «dircurrere» گرفته شده است (عضدانلو، 1389: 16). مفهوم گفتمان که در دوره جدید بدان بسیار پرداخته شده است در تعریفی سطحی به واحدهایی از زبان اطلاق می‌شود که از یک جمله بزرگ‌ترند (Baldick, 2004:68).

نظریه نورمن فرکلاف در تحلیل گفتمان، زبان را به عنوان ابزاری برای ساخت و بازتولید قدرت و ایدئولوژی در نظر می‌گیرد. او معتقد است که گفتمان‌ها نه تنها منعکس‌کننده واقعیت‌ها هستند بلکه از طریق ساختار زبانی خود، واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را شکل می‌دهند و در بازتولید روابط قدرت در جامعه نقش دارند.

بر همین اساس فرکلاف در کتاب "زبان و قدرت" الگویی را برای بررسی روابط اجتماعی نامتقارن به وسیله زبان و گفتمان توسعه داد. هدف وی بازتعریف این روابط و نشان دادن این نکته بود که ریشه تمامی تغییرات اجتماعی در عرصه‌های مختلف، زبان و گفتمان است. او تحلیل گفتمان انتقادی را در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین بیان می‌کند. با این روش می‌توان به بررسی کنش‌های اجتماعی پرداخته و آن‌ها را توضیح داد. به باور فرکلاف، همه فرایندهای تعامل اجتماعی و متن، که بخشی از این تعامل است، در واقع گفتمان به شمار می‌روند.

فرکلاف در توضیح می‌گوید: «ویژگیهای صوری یک متن می‌تواند از منظر گفتمان تحلیل شود و از یکسو به ردیابی فرایند تولید بپردازد و از سوی دیگر به منزله بارقه‌هایی برای فرایند تفسیری باشد» (Fairclough, 1989:24).

صحیفه سجادیه، به عنوان یکی از برجسته‌ترین منابع دینی و ادبی در فرهنگ اسلامی-شیعی، شامل مجموعه‌ای از دعاها و نیایش‌هاست که هم از نظر معنوی و هم از نظر ادبی، ارزش فراوانی دارد. این متن علاوه بر نقش عبادی، حامل پیام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در قالب زبان دعا و نیایش بیان شده‌اند. از این رو، مطالعه زبان و گفتمان صحیفه می‌تواند دریچه‌ای به فهم عمیق‌تر ابعاد مختلف زندگی دینی و اجتماعی در دوره‌های تاریخی مختلف فراهم آورد. دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه، با تمرکز بر موضوعاتی چون دفاع از مرزهای اسلام، امنیت جامعه و نقش مرزداران،

نمونه‌ای بارز از متنی است که مضامین سیاسی و اجتماعی در آن به صورت نمادین و زبانی پیچیده بیان شده‌اند. تحلیل دقیق این دعا می‌تواند نشان دهد که چگونه زبان دعا به مثابه ابزاری گفتمانی، در بازتولید مفاهیم قدرت مشروع، مقاومت در برابر ظلم و تحکیم هویت جمعی نقش ایفا می‌کند.

نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، که به بررسی روابط قدرت، ایدئولوژی و نقش زبان در شکل‌دهی و بازتولید معانی اجتماعی می‌پردازد، همچنین چارچوبی مناسب برای بررسی چنین متونی است. فرکلاف با رویکرد سه‌لایه‌ای خود (توصیف متن، تفسیر روابط گفتمانی و تبیین ساختارهای اجتماعی) این امکان را فراهم می‌کند تا متون دینی، همچون صحیفه سجادیه در زمینه گسترده‌تری از قدرت و ایدئولوژی تحلیل شوند.

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی گفتمان قدرت، هویت و مقاومت در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه با استفاده از نظریه فرکلاف است. این مقاله تلاش دارد که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد کیفی نشان دهد چگونه زبان دعا نه تنها بیانگر نیازها و خواسته‌های فردی و جمعی است، بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در بازتولید گفتمان اجتماعی-سیاسی و مقابله با سلطه عمل می‌کند. تحلیل این دعا می‌تواند به درک عمیق‌تری از نقش متون دینی در شکل‌دهی به گفتمان اجتماعی-سیاسی و بازنمایی مفاهیم ایدئولوژیک در جوامع شیعی کمک کند.

1-1. پرسش‌های پژوهش

1. گزینش‌ها و سازوکارهای زبانی در دعای 27 چگونه گفتمان قدرت و مسئولیت اجتماعی را بازنمایی می‌کنند؟
2. چه فرآیندهای اجتماعی و سیاسی در پس تولید دعای 27 قرار دارند که موجب بازنمایی و تقویت گفتمان قدرت و مسئولیت اجتماعی در جامعه اسلامی اولیه می‌شود؟
3. رابطه ساختارهای گفتمانی دعای 27 با نظم‌های قدرت زمان تولید متن چگونه است؟

2-1. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که در حوزه نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. همچنین، برخی از دعا‌های صحیفه سجادیه

به‌طور گسترده‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. با این حال، تاکنون پژوهشی در خصوص دعای 27 صحیفه سجادیه صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر این دعا، به‌عنوان یک تحقیق نوآورانه و دست نخورده، به بررسی ابعاد گفتمانی و معنایی آن می‌پردازد. بخشی از پژوهش‌های انجام شده به شرح زیر است:

مقاله «تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف» نوشته عبدالحسین ذکایی و روح الله صیادی و عباس اقبالی (1398) به تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه با استفاده از نظریه فرکلاف پرداخته و ساختار زبانی، استعاره‌ها و ضمائر را برای بررسی قدرت و ایدئولوژی در گفتمان امام علی(ع) تحلیل کرده است. این تحقیق به‌خوبی ارتباط متن با بافت اجتماعی و سیاسی را نشان می‌دهد، اما کمبود توضیحات دقیق‌تر درباره تأثیرات اجتماعی و سیاسی این انتخاب‌ها در متن، نقطه ضعفی برای مقاله است. همچنین، پیچیدگی‌های زبانی و بلاغی در بعضی قسمت‌ها می‌تواند برای خوانندگان دشوار باشد.

همچنین مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه دمشقیه امام سجاد(ع) براساس نظریه نورمن فرکلاف» نوشته سیده زهرا مکی و حسن عبداللّهی و سیدحسین سیدی (1402) به تحلیل گفتمان خطبه دمشقیه امام سجاد(ع) با بهره‌گیری از نظریه فرکلاف پرداخته است. این تحقیق توانسته است به‌خوبی ارتباط بین ساختار زبانی و ایدئولوژی‌های نهفته در گفتمان امام را نشان دهد، اما در برخی نقاط می‌توانست عمیق‌تر به تأثیرات اجتماعی و ایدئولوژیک این گفتمان بپردازد. استفاده از استعاره‌ها و ساختار زبانی در مقاله خوب است، اما توضیحات بیشتر در مورد پیچیدگی‌های زبان‌شناختی و بلاغی می‌توانست کمک بیشتری به درک تحلیل‌ها بکند. همچنین، ارتباط بیشتر با متون دینی و تحلیل‌های بینامتنی می‌توانست مقاله را غنی‌تر کند.

مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی دعای چهل و نهم صحیفه سجادیه با تکیه بر الگوی حاج و کرس» نوشته روح الله صیادی و رحمان نوازنی (1402) با تمرکز بر دعای چهل صحیفه سجادیه، تلاش کرده است تا از طریق چارچوب نظری حاج و کرس به بررسی ابعاد ایدئولوژیک متن بپردازد. نویسندگان با تکیه بر چهار مؤلفه زبانی (نام‌دهی، اسمی‌سازی، ساخت مجهول، و تقابل جملات کنشی و اسنادی) نشان می‌دهند

که امام سجاد(ع) چگونه از زبان برای مقابله با نظام سلطه اموی بهره می‌گیرد. یکی از نقاط قوت مقاله، دسته‌بندی منظم شواهد زبانی و پیوند آن‌ها با اهداف گفتمانی است. با این حال، تحلیل مقاله در سطح بافت اجتماعی و تاریخی تولید دعا ضعیف است و بیشتر بر جنبه‌های درون‌متنی تمرکز دارد. همچنین، مقاله بیشتر توصیفی است و از منظر انتقادی چندان به چالش‌های نظری یا پیامدهای گفتمان در سطح جامعه نپرداخته است.

مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی سوره قصص بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف» نوشته سید حسین سیدی و وفاء محفوظی موسوی (1400) با استفاده از نظریه نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان انتقادی سوره قصص پرداخته و از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برای بررسی ساختار زبانی و ایدئولوژی نهفته در گفتمان قرآن استفاده کرده است. نویسندگان به‌خوبی نشان داده‌اند که چگونه گفتمان الهی در مقابل گفتمان‌های استکباری و سلطه‌گر عمل می‌کند. با این حال، مقاله عمدتاً بر تحلیل درون‌متنی متمرکز است و به زمینه‌های اجتماعی و تاریخی تولید متن یا مقایسه با متون دیگر قرآن توجه کمتری داشته است. علاوه بر این، ارائه بررسی‌های جامع‌تر درباره ابعاد اجتماعی و فرهنگی این گفتمان می‌توانست به غنای علمی مقاله بیفزاید.

2. چارچوب نظری

2-1. گفتمان

«برخی تحلیلگران گفتمان را رخدادی ارتباطی یا شکلی از تعامل کلامی می‌دانند» (وندایک: ۱۹).

تحلیل گفتمان را می‌توان همان تحلیل متن یا گفتار در بافت یا هنگام کاربرد آن دانست. در واقع می‌شود به تحلیل گفتمان به عنوان روشی در زبان‌شناسی توجه کرد که قصد دارد زبان را در بافتی که به کار می‌رود بررسی کند یا هدفی را نمایان سازد که در پس گفته یا نوشته پنهان است بنابراین می‌توان گفت تحلیل گفتمان با چیزی فراتر از جمله سروکار دارد یا این که تحلیل گفتمان را می‌توان به معنای آشکار سازی معنای زیرین و تجزیه و تحلیل معناهای همراه یک متن دانست که این متن می‌تواند به صورت نوشته یا پاره گفتار باشد (محمدی، 1396: 124).

یکی از نظریه‌های مطرح در این زمینه، نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است. فرکلاف معتقد است که گفتمان‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، روابط قدرت و ایدئولوژی‌های حاکم بر جوامع را بازتاب می‌دهند و در بازتولید آن‌ها نقش دارند. در نظریه فرکلاف، تحلیل گفتمان در سه سطح انجام می‌شود که هر یک از این سطوح نقش متفاوتی در تحلیل و تبیین رابطه زبان و قدرت دارند.

2-2. توصیف

توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان دستور و ساخت‌های متنی سروکار دارد. تحلیل‌گر در ارتباط با واژگان و دستور باید به پرسش‌های مربوط به ارزش‌های تجربی ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی متن و در بخش ساخت‌های متنی به سؤالات مربوط به استفاده از قراردادهای تعاملی و ارتباط متن با ساخت‌های گسترده تر پاسخ گوید (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱). در سطح توصیف، فرد تحلیل‌گر به بررسی ویژگی‌های صوری پرداخته و مواردی همچون بررسی مشخصه‌های زبانی، آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه، معنی شناسی می‌پردازد، همچنین ساختارهای زبانی و دستوری را هم مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت به این باور می‌رسد که شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه و گفتمان بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۶۶).

ویژگی‌های صوری ارزش بیانی، سرنخی از ارزشیابی تولید کننده از بخشی از واقعیت که مرتبط با این ویژگی است توسط ارزش بیانی ارائه می‌شود و با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد. فرکلاف تأکید می‌کند که هر یک از ویژگی‌های صوری ممکن است به طور همزمان واجد دو یا سه ارزش باشند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱-۱۷۲).

2-3. تفسیر

تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و نظم گفتمانی و میان متنی را بررسی می‌کند. منظور از ذهنیت مفسر دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر، مفسر ویژگی ظاهری متن در حقیقت به منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود. البته باید توجه داشت که

اصطلاح دانش زمینه‌ای نباید مانع از آن شود تا جنبه‌های ایدئولوژیک پیش فرض‌های عقل سلیم فراموش نشود (همان: ۲۱۵).

در بخش بینامتنیت طبق گفته کریستوا: «هر متنی در صدد جذب و دگرگون سازی متن دیگر بوده»، با متن پیش و پس از خود دیالوگ برقرار می‌کند. یک متن نمی‌تواند به مثابه یک کل اسرارآمیز و خودبسنده وجود داشته باشد و همچون یک سیستم بسته عمل کند (Worton and still, 1990: 1).

در این سطح، به تحلیل رابطه بین ساختار متن و بافت اجتماعی پرداخته می‌شود و هر رخداد ارتباطی، یک کنش محسوب می‌شود. این مرحله به شناسایی و تبیین زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی تولید متن و چگونگی تأثیر آن‌ها بر گفتمان توجه دارد. در این سطح، تحلیل‌گر تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه گفتمان، از طریق انتخاب‌های زبانی و ساختاری خاص، مفاهیم اجتماعی و ایدئولوژیک را به مخاطب منتقل می‌کند.

2-4. تبیین

در سطح تبیین، تحلیل گفتمان فرکلاف به بررسی روابط میان زبان و قدرت در سطح اجتماعی می‌پردازد و به فرایند نهادی و اجتماعی در حد ممکن اشاره می‌کند. در این سطح، هدف اصلی نشان دادن چگونگی بازتولید ایدئولوژی‌ها و ساختارهای قدرت از طریق گفتمان است. این تحلیل به دنبال درک این است که چگونه گفتمان‌ها در بازسازی و تقویت روابط اجتماعی و سیاسی نقش دارند و چگونه زبان می‌تواند به عنوان ابزاری برای نگهداشت یا تغییر وضعیت‌های قدرت در جامعه عمل کند. در این سطح، همچنین به بررسی تأثیرات گفتمان‌های موجود بر افراد و نهادهای اجتماعی پرداخته می‌شود، به ویژه در زمینه‌هایی که گفتمان قدرت به طور فعال در حال تأثیرگذاری و هدایت رفتارهای اجتماعی است.

به گفته فرکلاف: «درحالی‌که تفسیر چگونگی بهره جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد» (1379: 245).

در سطح تبیین، تحلیل‌گر باید نشان دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرآیندهای ایدئولوژیک درون متن، روابط قدرت را شکل داده و بر تعاملات اجتماعی و سیاسی

تأثیر می‌گذارند. همچنین به تحلیل چگونگی بازنمایی قدرت در متن و تأثیر آن بر مخاطب پرداخته می‌شود. این سطح تحلیل می‌تواند گفتمان‌های قدرت را در تقابل با گفتمان‌های مقاومتی و مخالف نیز بررسی کند و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها را بر نهادهای اجتماعی و فرهنگ عمومی نشان دهد.

در این سطح با احتساب هر رخداد ارتباطی به عنوان یک پرکتیس اجتماعی، این ملاحظات مورد توجه قرار می‌گیرند:

1. گفتمان‌های موجود در متن از چه نظریه‌هایی اجتماعی تبعیت می‌کنند؟
2. در کدام بافت اجتماعی پدید آمده اند؟
3. چگونه نظم گفتمانی مستقر را بازتولید می‌سازند یا به عکس، ساختاربندی مجدد و متضاد آن چگونه شکل می‌گیرد؟

در این سطح تحلیل‌گر به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای فرهنگی، اجتماعی می‌پردازد (قهرمانی، محمدباقر؛ علوی طلب و محمودی بختیاری و ثمینی، 1398: 18).



3. بررسی و تحلیل

3-1. سطح توصیف

3-1-1. گزینش واژگان (Vocabulary Choice)

الف) بار معنایی و ارزشی واژگان منتخب در این دعا به‌طور غالب واجد بار ارزشی، ایدئولوژیک و هویتی هستند. فراز مربوط به دشمنان از جایی که می‌گوید: «اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ... وَ خُذْهُمْ... وَ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ... وَ جَبِّنْهُمْ... وَ أَوْهِنْ كَيْدَهُمْ... وَ اقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ...» (الهی قمشه‌ای، 190:1391). که همه افعال آن، بار تخریبی و حمله‌ورانه دارد.

فراز مربوط به مؤمنان و مجاهدان بلافاصله بعد از آن، جایی که می‌گوید: «اللَّهُمَّ أَيْمًا عَازٍ عَزَا فِي سَبِيلِكَ... فَهَيِّ لِي الْيُسْرَ، وَ سَدِّدْهُ، وَ أَيْدُهُ، وَ ارْزُقْهُ، وَ اعْفُ...» (همان: 196) که افعال آن بار مثبت و حمایتی دارند. افعالی نظیر «اشغل»، «خذهم»، «فرق»، «جبتهم»، «أوهن»، «اقطع» همگی دارای معنای تخریبی و حمله‌ورانه‌اند و نسبت به دشمنان به‌کار رفته‌اند. در مقابل، افعالی چون «هیّ»، «سدد»، «أید»، «ارزقه» و «اعف» بار مثبت و حمایتی دارند و برای مؤمنان و مجاهدان استفاده شده‌اند. این تقابل واژگانی میان «خودی» و «دشمن» بیانگر یک دوگانگی ایدئولوژیک است که در نظام معنایی دعا برجسته شده است.

ب) کاربرد واژگان فرازبان‌شناختی (Metadiscursive Elements) در دعای «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِكْرَهُ وَ ذِكْرَهُ فِيكَ وَ لَكَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اكْتُبْ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ اعْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ، وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ...» (همان: 192).

برخی افعال همچون «اجعل»، «اكتب»، «أوجب»، «اعزل»، «خلصه» علاوه بر معنای محتوایی، عملکرد فرازبان‌شناختی دارند و ماهیت کنشی متن را برجسته می‌سازند. این دسته از افعال، دعا را به‌مثابه یک کنش زبانی اجتماعی و مبتنی بر درخواست برای دگرگونی وضعیت موجود معرفی می‌کنند.

ج) واژگان مرتبط با خشونت و قدرت افعالی در فراز میانی دعا و در ادامه بخش مربوط به دشمنان آمده‌اند، جایی که می‌فرماید: «... تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ، وَ تَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ، وَ تَفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ... اللَّهُمَّ وَ امْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ أَطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ، وَ أَلْحِ عَلَيْهَا بِالْقُدُوفِ...» (همان: 194).

این بخش همان جایی است که گفتمان دعا رنگ و بوی مقاومت محور و تقابل گرا پیدا می کند و بار معنایی خشونت و قدرت در افعال، برجسته می شود. مانند «اقطع دابرهم»، «احصد شوکتهم»، «ارم بلادهم بالقذوف»، و «امزج میاههم بالوباء» حاکی از بار معنایی خشونت آمیز و جنگی هستند. این موارد، مؤلفه هایی از گفتمان جنگی (militarized discourse) به شمار می آیند که ساختار دعایی را به گفتمانی مقاومت محور و تقابل گرا نزدیک می سازند.

3-1-2. ساختار نحوی (Grammar and Syntax)

الف) کاربرد وجه دستوری (Modality) و افعال امر غالب افعال در این دعا به صورت امر (imperative) آمده اند، مانند: اللَّهُمَّ اشْغَلْهُمْ، خُذْهُمْ، أَفْزَعْهُمْ، اجْعَلْ، ارْزُقْ. این افعال در متن عربی دعا در جملاتی مانند:

«اللهم اشغل المشركين بالمشركين... وخذهم بالنقص... وثبطهم بالفرقة...»؛ «اللهم وامزج میاههم... أصبهم بالجوع المقيم والسقم الاليم»؛ و بخش «اللهم وأیما غازی غزاهم... وارزقه الشدة... واجعل فكره وذکره...» (همان: 194).

«اللهم اشغل»، «خذهم»، «افزعهم»، «اجعل»، «ارزق»، که از منظر تحلیل گفتمان، نشانگر یک کنش دستوری (directive speech act) هستند. این وجه دستوری در بستر دعایی به گونه ای به کار رفته که در عین توسل و خشوع، حامل کنش مندی زبانی و خواست روشن برای تغییر است.

ب) تکرار ساختارهای نحوی خاص، تکرار قالب هایی نظیر «اللهم...»، «فأجر» له...»، که در اواخر دعا دیده می شود:

«اللهم وأیما مُسلمٍ خَلَفَ غَازِياً...» تا «فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِه...» (همان: 198). همچنین ساختارهای فهرستی (مانند: «أو... أو...») موجب شکل گیری ریتم بلاغی و انسجام ساختاری شده است. این الگوهای نحوی با تأکید معنایی، بار عاطفی و خطابي دعا را تقویت می کنند و موجب درگیری ذهنی و احساسی خواننده یا شنونده با متن می گردند.

ج) ارجاع ضمایر و تمایز هویتی ضمایر سوم شخص جمع نظیر:

دشمنان: «اللهم اشغل المشركين... وخذهم... وثبطهم...» تا «تقطع به دابرهم... تحصد به شوکتهم... تفرق به عددهم»، و نیز «وامزج میاههم... أصبهم بالجوع...» (همان:

(194-196).

مؤمنان، مجاهدان: از «وَأَيُّمَا غَازٍ... فَلَقَهُ الْيَسْرَ... وَأَسْبَغَ عَلَيْهِ فِي النَّفَقَةِ...» و نیز «فَإِذَا صَافَتْ عَدُوَّكَ... فَقَتَلَهُمْ فِي عَيْنِهِ... أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ... وَلَا تُدْلِهِمْ مِنْهُ»، و «وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلْفَ... فَأَجْرُ لَهُ...» (همان: 196-198).

«هم»، «علیهم» به دشمنان اشاره دارند، در حالی که ضمایری مانند «له»، «علیه» مربوط به مؤمنان و مجاهدان اند. این استفاده از ضمایر، به خلق دوگانه‌ی ما / آنها کمک کرده و از نظر فرکلاف، یکی از ابزارهای کلیدی در بازتولید ساختارهای هویتی در گفتمان است.

3-1-3. سبک و گونه زبانی (Style and Discourse Genre)

الف) ترکیب ژانر دعایی با گفتمان رزمی: اگرچه متن در ژانر کلاسیک دعا قرار می‌گیرد، اما درون‌مایه‌های جهادی و نظامی نیز به‌طور برجسته در آن حضور دارد. این همپوشانی ژانری، همان‌گونه که فرکلاف اشاره کرده است، نشان‌دهنده پیوند میان سبک‌های زبانی مختلف برای تولید گفتمانی مؤثر و بسیج‌گر است.

ب) سبک خطابی و اقناعی (Rhetorical Style): کاربرد افعال امر، آرایه‌های تکرار و فهرست‌سازی، استفاده از ارجاعات تاریخی (مانند «کفعلک یوم بدر») و بافت بلاغی دعا، آن را به خطابه‌ای سیاسی - دینی با ظرفیت بسیج‌گری بالا تبدیل کرده است.

3-1-4. کنش‌های زبانی (Speech Acts)

در متن دعای ۲۷، چندین گونه کنش زبانی بر اساس دسته‌بندی‌های فرکلاف قابل تشخیص‌اند:

نوع کنش زبانی مثال کارکرد گفتمانی:

نوع کنش زبانی	مثال	کارکرد گفتمانی
درخواست و امر	«اللهم اشغل»، «اللهم أید»، «اللهم ارزق»	فراخوانی برای مداخله الهی و کنش مستقیم
اظهاریه و ارزیابی	«الذین تخفی أسماؤهم...»، «فإنک المنان الحمید...»	تشریح شناختی از دشمن و توصیف صفات خداوند
تعهد و امید	«فإن ختمت له بالسعادة...»	ابراز امید به پاداش الهی و نتایج مجاهدت

3-2. سطح تفسیر

3-2-1. بینامتنیت و انسجام معنایی (Intertextuality and Cohesion)

دعای 27 در موقعیت اختناق، سرکوب شیعیان و پس از حوادث سیاسی کربلا نوشته شده است. این فضا باعث می‌شود: مضامین دعا معنای مبارزه جویانه و مقاومتی بیشتری به خود بگیرد، تأکید بر قدرت الهی، شکست دشمن و پاداش مجاهدان، به مثابه امیدبخشی به شیعیان در تنگنا باشد و نقش دعا به عنوان گفتمانی برای سازمان دهی هویتی شیعه برجسته شود. پس می‌توان گفت، در سطح تفسیر، دعای 27 به مثابه متنی ایدئولوژیک و الهیاتی، در شرایط خاص سیاسی اجتماعی تولید شده و هدف آن فراتر از یک گفت‌وگوی نیایشی است. مخاطب با درکی فرهنگی-دینی، بافت تاریخی و نمادین دعا را دریافت کرده و آن را به مثابه گفتمانی برای سازمان‌دهی معنوی، اجتماعی و حتی سیاسی درک می‌کند. با توجه به نظر فرکلاف می‌توان گفت، تفسیر این دعا منجر به شناسایی سازوکارهایی می‌شود که معنای متن را تثبیت می‌کنند و رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی را در بطن گفتمان مذهبی برجسته می‌سازند.

3-2-1. ساختار کلی گفتمان

از نظر ساختار درونی، متن به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود:

1. درخواست نابودی دشمنان مشرک؛

2. دعای خیر و تقویت مجاهدان؛

3. تقاضای پاداش برای حامیان جهاد.

این ساختار سه‌گانه، نه تنها نظم روایی دعا را تضمین می‌کند، بلکه به شکل‌دهی گفتمان مقاومت، تفکیک دوست/دشمن، و ترسیم تقابل خیر/شر می‌انجامد. پس می‌توان گفت دعای 27 صحیفه سجادیه، در سطح توصیفی نظریه فرکلاف، متنی است واجد انسجام واژگانی، نحوی و معنایی بالا که از طریق عناصر زبانی متنوع، ساختار گفتمان دینی-سیاسی منسجم و هدف‌مندی را بازنمایی می‌کند. کاربست تقابل‌های ایدئولوژیک، افعال کنشی، سبک خطابی و ارجاعات بینامتنی، آن را به الگویی برجسته از گفتمان مقاومت اسلامی تبدیل کرده است؛ متنی که در دل ژانر داعی، پروژه‌ای معنایی برای شکل‌دهی به هویت دینی، سیاسی و اجتماعی مخاطب پی‌ریزی می‌کند.

3-2-3. زمینه تولید متن

مولفه	تحلیل
نویسنده / گوینده	امام سجاد(ع) به عنوان گوینده دعا، در جایگاه رهبری دینی و فکری پس از واقعه عاشورا قرار دارد. این موقعیت سیاسی و اجتماعی، بار ایدئولوژیک متن را دوچندان می‌کند.
بافت سیاسی - اجتماعی	دعای 27 در دوران اختناق سیاسی و سلطه بنی امیه نوشته شده. مضامین دعا به وضوح واکنشی به ستم سیاسی، جهاد، شهادت و تقابل با دشمنان خداست.
هدف تولید متن	هدف دعا فراتر از مناجات شخصی است و ناظر به بسیج گری، مشروعیت، بخشی به جهاد و مقاومت و هدایت معنوی پیروان است.
گونه	گونه دعا در این متن با ژانر خطابه و فرمان دینی آمیخته شده و از نظر سبکی به ژانرهای انگیزشی نزدیک می‌شود.

3-2-4. ذهنیت مخاطب

این بخش از تفسیر بر نحوه درک و تأویل مخاطب از متن تمرکز دارد.

عناصر تفسیر	تحلیل
شناخت دینی مخاطب	مخاطب اصلی این دعا، فردی دیندار با آگاهی از تاریخ اسلام (مانند جنگ بدر و مفاهیم جهاد، شهادت، حزب الله) است، لذا متن با استفاده از ارجاعات تاریخی و دینی (بینامتنیت)، موثر واقع می‌شود.
مفاهیم آشنا و مشترک	استفاده از واژگانی مانند «المجاهدین»، «الشهداء»، «الابرار»، «أهل بدر» به ذهن مخاطب مفاهیمی آشنا و مثبت القا می‌کند که باعث پذیرش پیام دعا و تقویت درک معنایی آن می‌شود.
دوگانه سازی معنا	ساختار دوگانه ساز «خودی / دشمن» در سطح زبانی و مفهومی، در ذهن مخاطب معنای شفاف‌تری ایجاد می‌کند و جایگاه دوست و دشمن را به وضوح نشان می‌دهد.
بار عاطفی / خطابی دعا	لحن آمرانه و زبانی پرهیجان باعث ایجاد تأثیر عاطفی قوی بر مخاطب شده و ذهن او را به سوی انگیزش برای مشارکت فعال (مثلاً در جهاد یا حمایت از مجاهدان) سوق می‌دهد.

3-2-5. منابع بینامتنی

امام سجاد(ع) در دعای 27 صحیفه سجادیه از ارجاعات تاریخی مانند جنگ بدر و پیروزی مسلمانان برای تقویت مشروعیت الهی استفاده کرده است. مانند بخشی از دعای ۲۷ صحیفه سجادیه است که امام سجاد(ع) به جنگ بدر اشاره می‌کند؛ جایی که

می‌فرماید: «...وَ اِيعِثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ يَبَاسُ مِنْ بَاسِكَ كَفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقَطُّعُ بِهِ دَابِرُهُمْ وَ تَخْصُدُ بِهِ شُوكَتَهُمْ...» (همان: 194).

این ارجاعات نه تنها برای مقدس کردن پیام استفاده می‌شوند، بلکه به‌طور غیرمستقیم تأکید دارند که قدرت الهی می‌تواند در برابر دشمنان اسلام عمل کند و در نهایت پیروزی نهایی از آن مسلمانان خواهد بود. این نوع استفاده از ارجاعات تاریخی نه تنها مشروعیت خداوند را در برابر قدرت‌های بشری می‌سازد، بلکه پیامی از پیروزی حق بر باطل را به‌طور ضمنی به مخاطب منتقل می‌کند.

علاوه بر این، در تقویت مشروعیت و قدرت الهی در گفتمان دعای امام سجاد(ع) بسیار مؤثر است و به‌عنوان ابزاری برای ایجاد اتحاد دینی و مقاومت اسلامی در برابر سلطه‌گران استفاده می‌شود.

متن دعای 27 از عناصر بینامتنی زیادی بهره می‌برد:

کارکرد	مثال	نوع ارجاع
مشروعیت بخشی به دعا از طریق ارجاع به پیروزی تاریخی مسلمانان	«یوم بدر»	تاریخی
پیوند گفتمان دعا با مفاهیم کلیدی قرآن، برای افزایش مقبولیت و قداست	واژگانی چون «الابرار»، «المجاهدين»، «الشهداء»	قرآنی
تقویت انسجام جمع دینی و فراخوان غیرمستقیم برای پیوستن به صف مومنان	واژه‌هایی مانند «الحزب»، «الطائفة»، «الأنصار»	فرهنگی / دینی

3-2-6. سازوکارهای خطاب‌گری

تحلیل	نوع خطاب
دعا با محوریت درخواست مستقیم از خداوند است، اما لحن آن حاوی دستورها، آرزوها و نوعی مطالبه‌گری معنوی است. این لحن، نشان دهنده ایمان فعال و انتظارات صریح از کنش الهی است. مانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حِمَائِهِا بِقُوَّتِكَ، وَ أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جَدَّتِكَ... وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ اخْرُسْ حُوزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ...» (همان: 190).	خطاب به خداوند
با توصیف دشمنان و تجلیل از مجاهدان، پیام به مخاطب زمینی نیز منتقل می‌شود. نوعی خطاب ضمنی و تربیتی که نقش گفتمان ساز دارد.	خطاب غیر مستقیم به پیروان

	مانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْصِبْهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخُدَاعَةِ الْغُرُورِ... وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصْبَ أَعْيُنِهِمْ... حَتَّى لَا يَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْيَارِ» (همان)
خطاب توده ای	ضمایر جمع و عمومیت دعا نشان می‌دهد که هدف آن هدایت یک امت است، نه صرفاً یک فرد. این نکته به ساختار کلی دعای ۲۷ صحیفه سجادیه برمی‌گردد؛ جایی که امام سجاد (ع) در تمام فرازها از ضمایر جمع مثل «حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ»، «أَيِّدْ حُمَاتَهَا»، «كَثِّرْ عِدَّتَهُم»، «أَعِزَّهُم»، «عَزِّفَهُم» استفاده می‌کند.

4-2-7. تأثیر بافت

دعای 27 در موقعیت اختناق، سرکوب شیعیان و پس از حوادث سیاسی کربلا نوشته شده است. این فضا باعث می‌شود:

1. مضامین دعا معنای مبارزه جویانه و مقاومتی بیشتری به خود بگیرد.
 2. تأکید بر قدرت الهی، شکست دشمن و پاداش مجاهدان، به مثابه امیدبخشی به شیعیان در تنگنا باشد.
 3. نقش دعا به عنوان گفتمانی برای سازمان دهی هویتی شیعه برجسته شود.
- پس می‌توان گفت، در سطح تفسیر، دعای ۲۷ به مثابه متنی ایدئولوژیک و الهیاتی، در شرایط خاص سیاسی اجتماعی تولید شده و هدف آن فراتر از یک گفت‌وگوی نیایشی است. مخاطب با درکی فرهنگی-دینی، بافت تاریخی و نمادین دعا را دریافت کرده و آن را به مثابه گفتمانی برای سازمان‌دهی معنوی، اجتماعی و حتی سیاسی درک می‌کند. با توجه به نظر فرکلاف می‌توان گفت، تفسیر این دعا منجر به شناسایی سازوکارهایی می‌شود که معنای متن را تثبیت می‌کنند و رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی را در بطن گفتمان مذهبی برجسته می‌سازند.

3-3. تبیین

3-3-1. زمینه اجتماعی و تاریخی صدور گفتمان

دعای ۲۷ صحیفه سجادیه با عنوان «دَعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِعَانَةِ عَلَى أَعْدَائِهِ» در بستر تاریخی پس از واقعه عاشورا و در دوره خفقان سیاسی حاکمیت امویان صادر شده است. در این دوره، فشارهای گسترده‌ای بر اهل بیت و شیعیان آنان وارد می‌شد. امام سجاد (ع) در عین محدودیت ظاهری، از ابزار دعا به عنوان رسانه‌ای غیرمستقیم و مشروع برای ارائه ایدئولوژی مقاومت و دفاع بهره می‌برد. ایشان با این دعا در

تلاشند تا قدرت الهی را در مقابل قدرت های ظالم بشری قرار دهد و از این طریق به بازتعریف قدرت و عدالت در جامعه اسلامی بپردازد. همچنین این دعا نه تنها برای واکنش به ظلم و فساد بوده، بلکه در عین حال مبارزه با سلطه‌گری و فراخوانی برای جهاد و مقاومت را در بطن خود دارد.

توصیف	مؤلفه
عصر اموی، پس از کربلا، سرکوب شیعیان	بستر تاریخی
انزوای سیاسی اهل بیت، سلطه ایدئولوژی رسمی اموی	بستر اجتماعی
شیعیان آگاه، مومنان، مجاهدان احتمالی آینده	مخاطب اولیه

این دعا پاسخی است به سلطه گفتمان غالب سیاسی اموی که با «جهاد مقدس» در قالب ساختارهای قدرت رسمی تظهير شده بود. دعای 27 تلاش می‌کند این گفتمان را از درون بازتعریف کند.

3-3-2. ایدئولوژی نهفته در گفتمان

در سطح تبیین، گفتمان امام سجاد(ع) در دعای 27 از قدرت الهی برای مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر استفاده می‌کند. این دعا بر اساس نظریه فرکلاف، به عنوان ابزاری برای بازتولید ایدئولوژی مقاومت عمل می‌کند. امام سجاد(ع) با استفاده از زبان برای مقابله با گفتمان‌های سلطه‌گر امویان اقدام می‌کند و از خداوند می‌خواهد که با مشرکین و دشمنان اسلام مقابله کند.

به‌طور مشخص، در این دعا به واسطه انتخاب واژگان خاص و استفاده از جملات امر، امام سجاد(ع) قدرت الهی را به عنوان نیروی تغییر معرفی می‌کند که می‌تواند در برابر ظلم و فساد واکنش نشان دهد. این زبان نه تنها قدرت و سلطه الهی را به تصویر می‌کشد، بلکه از آن به عنوان ابزاری برای برقراری عدالت و پاسخگویی به فساد حکام استفاده می‌کند.

دعای ۲۷ حاوی یک ایدئولوژی مقاومت اسلامی با محوریت «خود» و «دشمن» است. این ایدئولوژی مبتنی بر مفاهیم کلیدی زیر است:

1. تقابل میان حزب الله و حزب الشیطان: خداوند به عنوان پشتیبان مطلق «خودی‌ها» معرفی می‌شود و دشمنان به عنوان موجوداتی «قابل نابودی» تصویر می‌شوند.
2. بازتعریف قدرت: برخلاف قدرت نظامی حاکمان، قدرت در این دعا از آن

خداست. دعا در واقع باز توزیع معنوی قدرت را انجام می‌دهد.

3. بازسازی حافظه جمعی: ارجاع به جنگ بدر و پیروزی تاریخی مسلمانان، سازوکاری برای برانگیختن حافظه‌ی تاریخی و مشروعیت‌بخشی به گفتمان مقاومت است.

4. دعای سیاسی: این متن علی‌رغم ظاهر عبادی، نقشی سیاسی - اعتراضی دارد که ساختار حاکم را به چالش می‌کشد.

3-3-3. روابط قدرت در گفتمان

در نگاه فرکلاف، هر گفتمانی در تعامل با ساختار قدرت شکل می‌گیرد یا به بازتولید یا به چالش آن می‌انجامد. در دعای 27:

کنش گفتمانی	بازتاب رابطه قدرت
دعا برای هلاکت دشمنان	طرز نمادین ساختار سیاسی حاکم (امویان)
دعا برای تقویت مجاهدان	مشروع سازی مقاومت و مبارزه در برابر ظلم
اشاره به بدر	پیوند گفتمان دعا با اسطوره‌های قدرت مشروع اسلامی

گفتمان دعا در اینجا نه فقط دینی بلکه به شدت سیاسی است، چراکه ساختار قدرت را به چالش می‌کشد و قدرت را از نهادهای زمینی به خداوند و مجاهدان واگذار می‌کند.

3-3-4. بازتاب نظم اجتماعی و تلاش برای تغییر آن

گفتمان حاضر با ساختار اجتماعی معیوبی روبه‌روست که در آن:

1. ظلم در حال حاکم شدن است،

2. ایمان در انزوا قرار دارد،

3. مجاهدان واقعی ناشناخته و مظلوم‌اند.

دعای ۲۷ نعت‌ها این وضعیت را بازتاب می‌دهد، بلکه می‌کوشد با:

1. افشای چهره دشمن،

2. برجسته‌سازی نقش مجاهد،

3. دعا برای نابودی ظلم و یاری صالحان،

نظمی جدید مبتنی بر عدالت و ایمان را ترسیم کند. بنابراین دعا، کنشی تغییرآفرین است.

3-3-5. مخاطب سازی و هویت سازی

یکی از نکات کلیدی در تبیین، تحلیل مخاطب گفتمان است. در اینجا دعا مخاطبانی چندلایه دارد:

مخاطب آشکار (خدا): خداوند به عنوان فاعل اصلی کنش در متن ظاهر می شود. مخاطب ضمنی (شیعیان و مؤمنان): آنان که متن را می خوانند، با دعا هم هویت می شوند و در گفتمان «خودی» قرار می گیرند.

مخاطب تهدیدشده (دشمنان): متن پیامی بازدارنده برای دشمنان دارد. با این تقسیم بندی، گفتمان دعا به ابزاری برای ساخت هویت جمعی مؤمنان مبارز تبدیل می شود، که در آن دوگانه‌ی «خود/دشمن»، «حق/باطل»، «شهید/ظالم» کاملاً برجسته شده است.

در مرحله تبیین، می توان نتیجه گرفت که دعای ۲۷ صحیفه سجادیه یک گفتمان دینی-سیاسی کاملاً شکل گرفته و استراتژیک است. این دعا نه تنها به لحاظ زبانی بلکه از منظر اجتماعی و ایدئولوژیک نیز حامل پیامی است که ساخت قدرت و نظم اجتماعی زمانه خود را به چالش می کشد. گفتمان این دعا تلاشی است برای مشروع سازی مقاومت مؤمنان در برابر سلطه‌ی ظلم. دعا به عنوان یک ابزار دینی، به ابزاری برای برساخت ایدئولوژی مبارزه بدل شده است. پیوند تاریخی، ارجاع های دینی، و زبان فرمان محور، این متن را به یک گفتمان مقاومت ساخت یافته و مؤثر تبدیل کرده اند.

4. نتیجه گیری

دعای ۲۷ صحیفه سجادیه، در پرتو تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف، متنی زبانی اما با کارکردی اجتماعی-سیاسی تلقی می شود که در قالب دعا، گفتمانی قدرتمند و هدفمند را درباره مفاهیمی همچون عدالت، قدرت، مسئولیت اجتماعی، تقابل خیر و شر، و مشروعیت بخشی به مقاومت در برابر ظلم بازتولید می کند.

این دعا نمونه‌ای ممتاز از پیوند میان زبان، ایدئولوژی و قدرت در سنت دینی اسلام است که لایه های معنایی آن تنها در پرتو تحلیل گفتمانی چندسطحی قابل آشکار سازی است. در پاسخ به پرسش نخست، یافته های این پژوهش نشان داد که ساختار زبانی دعای ۲۷ از طریق گزینش واژگان قطبی، استفاده از افعال امری، آرایش نحوی جهت دار، و به کارگیری ضمائر گروه بندی کننده، دوگانه‌ای روشن میان "خودی،

دشمن" و "حق، باطل" ایجاد می‌کند.

این دوگانه‌سازی، نقشی اساسی در بازنمایی مفاهیم عدالت اجتماعی و مسئولیت حکام ایفا می‌کند. دعا از سویی با تبیین مسئولیت‌های رهبری، مجاهدین و حامیان جهاد، نوعی تقسیم وظایف اجتماعی ارائه می‌دهد و از سوی دیگر با درخواست مجازات دشمنان، گفتمانی از عدالت تنبیهی و الهی را برجسته می‌سازد.

در سطح تفسیر، روشن شد که تولید این دعا در بستر خاصی از تاریخ اسلام - یعنی دوران پس از واقعه کربلا و تشدید استیلای بنی‌امیه - انجام گرفته است. فضای سیاسی آن زمان، فضای سرکوب، تحریف حقیقت و بی‌عدالتی گسترده بود. در چنین بستری، دعای امام سجاد(ع) نه تنها به عنوان نیایشی فردی، بلکه به عنوان کنشی زبانی- اجتماعی در برابر ساختار قدرت عمل می‌کند. بدین‌سان، دعا به یکی از اشکال مقاومت نرم تبدیل می‌شود که در آن، مفاهیم دینی برای حفظ هویت جمعی، آگاهسازی جامعه و حفظ معنویت جهادی به کار گرفته می‌شوند.

استفاده از ارجاعات بینامتنی (مانند جنگ بدر) نیز در تقویت مشروعیت الهی این گفتمان نقش دارد. در سطح تبیین نیز تحلیل‌ها نشان می‌دهند که دعای ۲۷، بازتاب ساختارهای اجتماعی و سیاسی عصر خود است و هم‌زمان در بازتولید آن‌ها نیز نقش دارد. با بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی چون "شهادت"، "مجاهده"، "نصرت"، "حزب‌الله"، "سعادت"، "مئة" و "اجر الهی"، دعا بافت ایدئولوژیکی می‌سازد که در آن، مقاومت در برابر ظلم به یک وظیفه الهی ارتقاء می‌یابد و عدالت اجتماعی از مسیر کنش دینی-سیاسی پیگیری می‌شود.

این متن با ارائه تصویری از خداوند به‌مثابه کنش‌گر نهایی و ضامن تحقق عدالت، بافتی اخلاقی-سیاسی ترسیم می‌کند که در آن، پیروزی نهایی مؤمنان قطعی و وعده‌داده‌شده تلقی می‌شود. دعای ۲۷ صحیفه، با ساختار سه‌گانه‌اش (نابودی دشمنان، حمایت از مجاهدان، و دعا برای پشتیبانان جهاد)، در واقع گفتمانی جامع از دین، سیاست، و اخلاق می‌سازد که طی آن، مسئولیت فردی و جمعی هم‌زمان بازنمایی می‌شود. این دعا از یک‌سو زبانی احساسی، دعاگونه و استعانت‌محور دارد، و از سوی دیگر، به شکلی بسیار نظام‌مند وارد حوزه‌های مفهومی قدرت، عدالت و سیاست می‌شود؛ موضوعی که به‌روشنی نشان می‌دهد متون مذهبی کلاسیک چگونه ظرفیت ورود به تحلیل‌های مدرن گفتمانی را دارند.

در مجموع، می‌توان گفت که دعای ۲۷ نه تنها بازتابی از دغدغه‌های اجتماعی امام سجاد(ع) و جامعه تحت ستم آن دوران است، بلکه به‌واسطه ساختار زبانی پیچیده، سبک خطابی بسیج‌کننده و انسجام معنایی بالا، گفتمانی مولد و کنش‌برانگیز می‌سازد که همچنان برای مخاطب معاصر نیز الهام‌بخش است. این دعا از منظر فرکلاف، نمونه‌ای بارز از نحوه درهم‌تنیدگی زبان، قدرت و ایدئولوژی است که باید در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای دین، سیاست و زبان مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

— منابع —

- عضدانلو، حمید. (1389). *گفتمان و جامعه*. تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- کریستوا، ژولیا. (1381). ((کلام، مکالمه، رمان)). ترجمه پیام یزدانجو، در به سوی پسامدرن، تهران: نشر مرکز، چ 1.
- محمدی، عادل. (1396). *منظور شناسی زبان و تحلیل گفتمان*، تهران: نشر روش شناسان.
- وندایک، نتون ای. (1382). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان واکاوی انتقادی*، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- الهی قمشه‌ای. (1391). *صحیفه سجادیه*، قم: نشر نیلوفرانه، چ 4.
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیس، لوییز. (1389). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چ 2.
- نکایی، عبدالحسین؛ صیادی نژاد، روح الله؛ اقبالی، عباس. (1398). ((تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف)). *مجله ادب عربی*. سال 12. شماره 2: 83-63.
- سیدی، سید حسین؛ محفوظی موسوی، وفاء. (1400). ((تحلیل گفتمان انتقادی سوره قصص بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف)). *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. سال 9. شماره 1: 176-146.
- صیادی نژاد، روح الله؛ نوازی، رحمان. (1402). ((تحلیل گفتمان انتقادی دعای چهل و نهم صحیفه سجادیه با تکیه بر الگوی حاج و کرس)). *مجله دعاپژوهی*. سال 3. شماره 4: 126-107.
- قهرمانی، محمدباقر؛ علوی طلب، میترا؛ محمودی بختیاری، بهروز؛ ثمنی، نغمه. (1398). ((نظم گفتمانی در نمایشنامه مرگ یزدگرد نوشته بهرام بیضایی بر اساس نظریه فرکلاف)). *مجله هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی*. دوره 24. شماره 1: 24-15.
- محبی، گل افروز؛ نوازی، رحمان. (1403). ((نقش پادگفتمان در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی و فرهنگی (مطالعه موردی: دعای پنجم صحیفه سجادیه)). *مجله دعاپژوهی*. سال 4. شماره 7: 19-1.
- محسنی، محمدجواد. (1391). ((جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف)). *مجله فرهنگی اجتماعی*. سال 3. شماره 3: 86-63.
- مکی، سیده زهرا؛ عبدالحی، حسن؛ سیدی، سید حسین. (1402). ((تحلیل گفتمان انتقادی خطبه دمشقیه امام سجاد(ع) بر اساس نظریه نورمن فرکلاف)). *مجله علوم قرآن و حدیث*. سال 55. شماره 110: 201-221.

Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. New York: Longman Inc.

Worton, M. and Still, J. (1990), *Intertextuality: theories and practices*, Manchester and New York: Manchester University press.